



History & Culture

Vol. 50, No. 1, Issue 100

Spring & Summer 2018

DOI: <https://doi.org/10.22067/jhc.v50i1.76713>

تاریخ و فرهنگ

سال پنجاهم، شماره ۱، شماره پیاپی ۱۰۰

بهار و تابستان ۱۳۹۷، ص ۱۱۱-۱۳۲

فرآیند ایجاد و تغییر لباس نظامیان عصر قاجار*

فریبا مهرمند

دانشجوی دکتری تاریخ، دانشکده علوم انسانی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهری، دانشگاه آزاد

اسلامی، تهران، ایران

Email: pary.mand@yahoo.com

دکتر علی اکبر خدری زاده^۱

استادیار گروه تاریخ، دانشکده علوم انسانی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهری، دانشگاه آزاد اسلامی،

تهران، ایران.

Email: khedrizadeh@yahoo.com

چکیده

قشون نامنظم ایلی ایران که در آغاز حکومت قاجار از نظر اداری، آموزشی، جنگ افزار و لباس، اوضاع آشفته‌ای داشت، پس از گسترش روابط ایران و غرب و آمدن افسران اروپایی به ایران، این قشون ناهمگون به تجهیزات، فنون و لباس جدید آراسته و متحول گردید. هدف اصلی مقاله حاضر، مطالعه و بررسی نحوه ایجاد و تغییر لباس نظامیان عصر قاجار به عنوان یک پدیده متحول کننده قوای نظامی است؛ بنابراین، مقاله پیش رو می‌کوشد به این سؤال پاسخ دهد که لباس قشون نامنظم ایران در دوره قاجار تحت تأثیر چه علل و عواملی تغییر یافت؟ در پاسخ به این سؤال می‌توان از این فرضیه سخن گفت که پس از شکست ایران در جنگ با روسیه، لباس قشون نامنظم ایران به منظور تشکیل ارتش منظم، افزایش توان نظامی، یکپارچگی، تحرک، سبکی، سرعت و چالاکی بیشتر در انجام وظیفه تغییر یافت. روش تحقیق در این مقاله روش تاریخی است و بر توصیف و تطبیق داده‌های تاریخی استوار است و نتایج پژوهش دلالت بر آن دارد که عواملی همچون جنگ، ارتباطات، سفر شاهان قاجار به اروپا، ضرورت گذار از قشون نامنظم ایلی به ارتش منظم جدید و ورود افسران اروپایی به ایران، بیشترین تأثیر را در تغییر لباس نظامیان داشته‌اند.

کلیدواژه‌ها: قاجار، افسران اروپایی، روسیه، ارتش، لباس.

*. تاریخ وصول: ۱۳۹۷/۰۸/۲۸، تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۷/۱۰/۲۶.

۱. نویسنده مسئول

Process of Designing and Changing Qajar Military Uniforms

Fariba Mehrmand, Ph.D. student in History, Faculty of Humanities, Yadegar Imam Khomeini Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Dr. Ali Akbar Khedrızadeh (Corresponding author), Assistant Professor, Department of History, Faculty of Humanities, Yadegar Imam Khomeini Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Abstract

The irregular tribal military forces of Iran, which at the beginning of the Qajar era were disorganized in administrative, training, armament and uniform affairs, after the development of Iran-West relations and the arrival of European officers in Iran, were adorned with new equipment, techniques and uniforms, which completely transformed the troops. The main purpose of the present article is to study how the design and change of Qajar military uniform transformed military forces. Therefore, this paper attempts to answer this question "What factors did contribute to the change of uniform in irregular Iranian military forces during Qajar era?" In response to this question, one can put forth the hypothesis that following the defeat of Iran in the war with Russia, the uniform of irregular military forces of Iran was changed in a bid to establish a regular army and improve military power, integrity, mobility, style, speed and agility in execution of tasks. The research method adopted in this research is historical, which relies on the description and comparison of historical data. The results of the research suggest that factors such as war, communications, Qajar kings' trips to the Europe, the necessity of transition from irregular tribal squads to a new regular army and the visits of Europeans officers from Iran have had the greatest impact on changing military uniforms.

Keywords: Qajar, European Officers, Russia, Army, Uniform

مقدمه

اگرچه مطالعاتی دربارهٔ رویدادهای نظامی عصر قاجار و چگونگی گذار از قشون نامنظم ایلی به ارتش منظم جدید به انجام رسیده، در میان پژوهش‌های این حوزه، پژوهش مستقلی دربارهٔ علل و عوامل ایجاد و تغییر لباس رسمی نظامیان ایران به چشم نمی‌خورد. هرگونه مطالعه در حوزه پوشاک نظامیان نیز مستلزم پژوهش دربارهٔ این علل و عوامل است. از یک سو، تغییر لباس ارتش هر کشور بدون فراهم شدن زمینه‌ها و ضرورت‌های نظامی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اتفاق نمی‌افتد و از سوی دیگر، یکی از راهکارهای مهم برای ایجاد ارتش منظم جدید در ایران تغییر در اونیفورم نظامیان بوده است؛ زیرا هم از جنبهٔ روانشناسی، هیبت بیرونی افرادی با ظاهری آراسته دلپذیر است و توانمندی فرد پوشنده را به نمایش می‌گذارد و هم از نظر افزایش توان و کارایی نظامی نقش بسزایی دارد. به عبارت دیگر، نظم و آراستگی لباس نظامیان یکی از ویژگی‌های بارز ارتش هر کشوری به شمار می‌آید.

قشون نامنظم ایلی ایران از دورهٔ آقا محمدخان تا دورهٔ فتحعلی‌شاه لباس متحدالشکلی نداشت؛ ولی با آمدن افسران فرانسوی، تلاش‌هایی برای ایجاد قشون منظم در دسته‌های پیاده، سوار و توپخانه با لباس متحدالشکل مبذول داشته شد (راوندی، ۸۱۵/۴؛ شمیم، ۶۵). این تلاش‌ها لازم و سودمند بود، اما کافی و مؤثر به نظر نمی‌رسید. در دیگر ادوار حکومتی قاجار نیز اقدامات مهمی در جهت تشکیل ارتش جدید و لباس متحدالشکل صورت گرفت لیکن اقدامات مزبور به سبب بی‌ثباتی سیاسی و فشارهای خارجی عصر مشروطه از جمله راهزنی ایلات و عشایر و ناامنی در جاده‌ها (آبراهامیان، ۱۳۴-۱۳۶) نیمه‌کاره رها شد. با وجود این، در واپسین سال‌های حکومت قاجار، سردار سپه، به عنوان وزیر جنگ، تغییراتی اساسی در ساختار نظامی و طرح لباس نظامیان پدید آورد. به فرمان وی، البسهٔ نظامیان از نظر رنگ پارچه، رنگ نوارها، نشان‌ها، سردوشی‌ها و رسته‌ها، همه یکنواخت و یکسان گردید (ذکاء، ۲۵۸).

پیشینهٔ تحقیق در موضوع مقاله فاقد برجستگی خاصی است. به بیان دیگر، اگرچه تاکنون تحقیقاتی دربارهٔ چگونگی تشکیل ارتش جدید و یا در زمینهٔ تاریخ پوشاک ایران به انجام رسیده، چنان‌که پیشتر گفته شد، در موضوع مورد مطالعهٔ این مقاله پژوهش مستقلی به چشم نمی‌خورد. در این راستا با مطالعهٔ تطبیقی منابع و مآخذ تاریخی، عکس‌ها، روزنامه‌ها و آثار موزه‌ها تلاش شده است تا نشان داده شود که لباس قشون نامنظم ایران در دورهٔ قاجار چگونه و تحت تأثیر چه عواملی تغییر یافته است.

مروری بر دگرگونی سازمان ارتش اروپا در سدهٔ ۱۷م

در اروپا تا قبل از انقلاب صنعتی و پیدایش تمدن جدید، سازمان ارتش تفاوت چندانی با قشون ممالک

شرقی نداشت. سلاطین و امرا، افراد بی اطلاع و ناوارد را بدون این که آموزش صحیحی فراگیرند به میدان جنگ می فرستادند و پس از آن که دشمن را شکست داده یا از وی شکست می خوردند، افراد جمع آوری شده را رها می کردند. این افراد نه تنها اطلاعات نظامی نداشتند، بلکه از لحاظ لباس و پوشاک و سلاح و ملیت و نژاد و زبان هم با یکدیگر هماهنگی نداشتند. از قرن هفدهم میلادی در اثر تغییرات بزرگی که در اوضاع اقتصادی و اجتماعی اروپا روی داد، دولت های مقتدر و مستبد برای ادامه حکومت و سرکوبی آثار نظام فئودالی و اداره حوزه فرمانروایی خود، احتیاج مبرمی به وجود ارتش منظم و دائمی داشتند. از این رو، دولت ها جوانان شایسته را تحت آموزش و نظامات واحدی تربیت کرده و فنون جنگی را به آنان می آموختند. آنان لباس لشکریان را نیز به صورت یکسان و یکرنگ درآوردند و سربازان هر صنف را با اسلحه یکسان مجهز ساختند (راوندی، ۷۹۶/۴). این سبک تربیت و آموزش قشون جدید با یک قرن تأخیر در ایران آغاز شد. بدین ترتیب از دوره قاجار به بعد تلاش های جدی در جهت برطرف ساختن ضعف نیروی نظامی و تهیه لباس متحدالشکل در قشون نامنظم ایلی ایران صورت پذیرفت.

لباس قشون ایران در دوره آقا محمدخان

دوره فرمانروایی سلسله قاجار بر ایران (۱۲۱۰-۱۳۴۴ق) عهد گسترش روابط ایران و غرب در عرصه های مختلف سیاسی، اقتصادی و نظامی بوده است. در بدو این سلسله، آقا محمدخان در مدت کوتاهی قسمتی از نواحی از دست رفته ایران در شرق و غرب کشور را پس گرفت (نفیسی، ۶). شاه قاجار که در مدت سلطنتش همواره در حال نبرد با مدعیان داخلی و قدرت های خارجی بود، کمترین توجهی به ارتقاء کیفیت صنایع و حرف نداشت. لباس قشون ایران در دوره آقا محمدخان قاجار تقریباً همان لباس قشون ایران در دوره زندیه بود؛ به عبارت دیگر، هنوز تا این زمان خبری از تأثیر لباس نظامیان کشورهای اروپایی بر قشون ایران نبود. در این دوره لباس قشون نامنظم ایلی ایران به مانند گذشته سرداری بلندی بود که روی آن کمربند پهن می بستند و قمه ای به روی آن می آویختند و محل باروت و کیسه سرب را به طرف راست می بستند و تفنگ را به روی دوش حمل می کردند. کلاه سربازان، کلاه پوستی بدون مقوا و از وسط چاک خورده و تاشده بود و طول آن ۲۵ سانتیمتر بود. شلوار، نسبتاً گشاد و مچ آن بسته بود (شمیم، ۸۰۴).

لباس قشون ایران در دوره فتحعلی شاه

دوران فرمانروایی فتحعلی شاه (۱۲۱۲-۱۲۵۰ق) با وقوع رخداد های مهم تاریخی همراه شد (نفیسی، ۶). مهم ترین این وقایع جنگ ایران و روسیه بود که راه را برای ایجاد تغییرات در ساختار قوای نظامی ایران

تسریع کرد. با تصرف گرجستان در سال ۱۲۱۸ق و تمام ماوراء قفقاز تا حدود ارس توسط دولت روسیه، دوره اول جنگ‌های ایران و روس (۱۲۱۸-۱۲۲۸ق) آغاز شد. در طی این جنگ‌ها عباس میرزا و میرزا قائم‌مقام فراهانی به نقص فنی ارتش ایران و علل شکست سربازان پی بردند و تصمیم گرفتند با اعزام محصل به اروپا، ارتش ایران را به وسایل و فنون جدید مجهز سازند (راوندی، ۵۳۴/۲). عباس میرزا نایب‌السلطنه متوجه این نکته شده بود که ایران باید نخستین گام‌ها را به سوی تجدید بردارد. البته بیشترین کوشش او این بود که ایران را از پیشرفت‌های نظامی اروپا برخوردار سازد (نفیسی، ۶۹۳). بدین منظور موافقت‌نامه دوجانبه‌ای بین عباس میرزا و سر هارد فورد جونز منعقد شد و اولین گروه از جوانان اعیان برای کسب علم و معرفت همراه جونز روانه انگلستان شدند. ظاهراً مهم‌ترین موضوعی که درباره این دو (محمدکاظم پسر نقاش‌باشی و حاجی‌بابا) در انگلستان مطرح شد تغییر یافتن آداب و رسوم و لباس آن‌ها بود. به فاصله کمی دومین گروه پنج‌نفری دانشجویان ایرانی به منظور تقویت قشون و فراگرفتن فنونی که ارتش ایران بدان نیاز داشت به انگلستان اعزام شدند. این اقدام خواه‌ناخواه گامی در جهت انتقال آداب و رسوم اروپایی به جامعه ایران بود (شریعت‌پناهی، ۷۸-۷۹). مقارن با جنگ‌های ایران و روسیه و پس از انعقاد عهدنامه فین‌کنشتاین میان ایران و فرانسه (۱۲۲۲ق/۱۸۰۷م)، دولت فرانسه، چهارده افسر و درجه‌دار را به ایران اعزام کرد. این هیئت در مدت اقامت‌شان سه مرکز تعلیمات نظامی در تهران، تبریز و اصفهان تشکیل دادند و هزاران سرباز ایرانی را با فنون نظامی جدید اروپایی آشنا ساختند (راوندی، ۸۱۵/۴).

پس از اجرایی شدن اصول یک ارتش پیشرفته به سبک اروپایی در ایران، نوبت به هماهنگی در پوشش ظاهری قشون ایران فرا رسید و تلاش‌هایی در این خصوص صورت پذیرفت. چنان‌که از یک سو در خوی به امر نایب‌السلطنه بنای کارگاه ساخت پارچه ماهوت نهادند تا به تولید ماهوت اقدام کنند و استادان ماهری برای تولید این محصول تلاش زیادی کردند اما موفق نشدند که پارچه ماهوت به سبک فرنگی تولید کنند. این در حالی بود که برای این منظور، حتی اسباب و افزار آن را از روسیه به ایران وارد کرده بودند. هدف از ساخت این پارچه آن بود که پوشش و لباس اکثر ایرانیان از جمله اعیان و اشراف و سربازان و چاکران مهیا گردد تا در نتیجه آن، در واردات پارچه صرفه‌جویی شود (دنبلی، ۱۶). از سوی دیگر، عباس میرزا خود نیز برای غلبه کردن بر تعصبات هم‌میهنانش لباس متحدالشکل نظامی اروپایی پوشیده و در تمرین‌های روزانه شرکت می‌کرد (سایکس، ۴۵۲/۲). همین امر سبب شد تا نظامیان ایرانی از اونیفورم جدید استقبال کنند. گام بعدی طراحی لباس به منظور ایجاد دسته‌بندی میان قشون صورت پذیرفت تا از این طریق افراد مافوق و زیردست از هم تشخیص داده شوند. بر این اساس لباس پیاده‌نظام ماهوت آبی یا قرمز انگلیسی و

لباس توپچی‌ها ماهوت آبی انتخاب شد. نوار لباس سربازان و صاحب‌منصبان به ترتیب پشمی و نقره‌ای یا طلایی بود. به‌علاوه، صاحب‌منصبان مانند نظامیان انگلیسی، اشارپ ابریشمی قرمزرنگی بر تن می‌کردند. شلوارها عموماً سفید و گشاد و کلاهی به رسم معمول مملکت از پوست بره بر سر می‌گذاشتند که البته به این لباس نمی‌آمد (بوئه، ۱۰۵). این کلاه گلکی یا طاق سرخ‌رنگی داشت و گاه پری به پهلوئی راست آن می‌زدند. همه نظامیان چکمه یا نیم‌چکمه می‌پوشیدند و ساقه شلوار را در درون آن می‌گذاشتند. دو بند سفید پهن از روی شانه‌های چپ و راست حمایل می‌شد که از یکی سرنیزه تفنگ و از دیگری باروت و ساچمه‌دان آویخته می‌شد و در جلو سینه دارای قلاب برنجی بود. کمر بند پهن سیاه‌رنگی از روی لیفه شلوار بسته می‌شد و گاهی سربازان به جای کمر بند از شال سفید استفاده می‌کردند و سربازان تفنگ و سرنیزه و افسران شمشیرهای کج با خود داشتند (ذکاء، ۲۴۲).

لباس قشون ایران در دوره محمدشاه

در دوره فرمانروایی محمدشاه (۱۲۵۰-۱۲۶۴ق) جنگ هرات (۱۲۵۳ق) و قیام آقاخان محلاتی (۱۲۵۳ق) روی داد که زمینه مشکلات سیاسی داخلی و خارجی را به وجود آورد (نفیسی، ۶). افزون بر مشکلات یاد شده ارسال تجهیزات و لباس در بین قشون کشور یکسان نبود به طوری که چهار هنگ مستقر در تهران که پشتیبان قدرت سلطنت بودند مواجب و لباس مرتبی دریافت می‌کردند؛ اما سلاح‌های آنان وضع رضایت بخشی نداشت و در فارس سربازان اسلحه داشتند ولی از نظر لباس و تجهیزات دچار کمبود بودند و هنگ سمنان و مازندران همواره فاقد اسلحه، لباس و تجهیزات بودند (استودارت، ۱۲۹-۱۳۰). محمدشاه که در پی حل مسائل پیرامونش بود فرصت چندانی نیافت تا به ادامه اصلاحات عباس میرزا و فتحعلی‌شاه در ارتش بپردازد اما همچون دیگر شاهان پیش از خود گام‌هایی در جهت ایجاد تحول در لباس سپاه برداشت. چنان‌که لباس نظامیان ایران در دوره فتحعلی‌شاه، از نظر طرح و برش و دوخت آن از لباس نظامیان فرانسوی و انگلیسی الگو برداری شده بود، در دوره محمدشاه همان ترکیب حفظ شد؛ اما با اندک تغییراتی در اجزاء لباس، تلفیقی از طرح ایرانی و اروپایی پدید آمد. در خصوص علت تغییرات در اجزاء رنگ پوشاک قشون ایران، یکی از سیاحان فرانسوی تبار که در دوره سلطنت محمدشاه به ایران سفر کرده بود، نوشته است: متحدالشکلی اولین عامل پیشرفت ارتش ایران گردید؛ زیرا لباس‌های بلند شرقی برای انجام کارهای نظامی مناسب نداشتند این لباس کنار گذاشته شد و به جای آن نیم‌تنه بدون دامن، شلوارهای تنگ تا قوزک پا و پوتین چرمی معمول شد. لباس توپچی‌ها یک‌شکل و به مانند سربازان اروپایی بود. نیم‌تنه آبی با سردست‌های سرخ‌رنگ برتن داشتند و شلوارشان از کتان آبی یا سفید بود که دم پای آن را در چکمه فرو می‌بردند. کلاه‌شان از پوست بره سیاه یا سرخ با موهای بلند به شکل کلاه پشمی بود. لباس افسران

متفاوت با سربازان و قابل تشخیص بود. روی سینه، سه ردیف تکه‌ها با یراق‌های طلائی دیده می‌شد و یقه و سردست‌ها نیز نواری طلائی بود. سردوشی‌هایی شبیه به سرهنگان روسی نصب می‌کردند و چنین به نظر می‌آمد که از داشتن آن راضی بوده و به خود می‌بالیدند (فلاندن، ۱۴۹-۱۵۰). گاهی امرا و فرماندهان نیز در تغییر وضع ظاهر قشون نقش داشتند.

حضور افسران اروپایی در سپاه قاجار نیز تبلیغ مهمی برای پوشاک غربی بود. از آن جمله در قشون محمدشاه افسری اروپایی حضور داشت که لباسش، به عنوان لباس فرمانده قوا، اختراع خودش بود. لباس وی عبارت بود از اونیفورمی نیمه انگلیسی، زردوزی شده، با پاگون‌های ژنرالی، چکمه‌های یرغور، شلوار سفید، دستکش‌های مخصوص افسری، کلاه یراق‌دوزی شده مزین به پری سفید و بلند، شمشیری منحنی و مهمیزهای^۱ طلائی (کورف، ۱۷۶). در اواخر سلطنت محمدشاه تغییرات جزئی در طرح لباس انجام شد، به نحوی که لباس قشون، متحدالشکل و کوتاه شد؛ ولی فرماندهان باز هم لباس بلند بر تن می‌کردند. آنان به‌ویژه در مواقع سلام، جبه می‌پوشیدند و شال کلاه بر سر می‌گذاشتند (مستوفی، ۷۰/۱). روحانیون در دوره محمدشاه به مانند دیگر رجال حکومتی در تغییر لباس نظامیان نقش داشتند. حامد الگار در این باره می‌نویسد: تا روزگار حاجی میرزا آقاسی، اصلاح نظامی ادامه یافت و توجه به مسأله لباس متحدالشکل قشون سبب شد بار دیگر برای معمول کردن لباسی که به‌وضوح اروپایی بود، از مقامات مذهبی کسب اجازه کنند (الگار، ۱۹۳).

لباس قشون ایران در دوره ناصرالدین شاه

ناصرالدین شاه چهارمین پادشاه قاجار چهل و نه سال (۱۲۶۴-۱۳۱۳ق) در ایران با استبداد سلطنت کرد (تیموری، ۱). در این دوره که دولت ایران خود را در برابر تمدن جدید غرب ناتوان می‌دید، یگانه راه توانایی خود را دشمنی و ستیزه با رواج تمدن اروپایی و اندیشه‌های آزادی خواه می‌دانست (نفیسی، ۷). در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه، به تدریج تغییراتی در پوشاک نظامیان با رویکردی سنتی صورت گرفت؛ اما از اواسط این دوره، در ترکیب بندی اجزاء لباس، نحوه برش و دوخت برای راحتی و سبکی لباس قشون دگرگونی‌هایی صورت پذیرفت. در این میان تنوع طلبی و تمایلات افراد و الامقام باعث شد تا طرح لباس سپاه ایران مدام در حال تغییر باشد. به همین منظور برای مقایسه بهتر، دو تصویر از لباس قشون ایران و فرد نظامی فرانسوی ارائه شده است. در تصویر ۱، نظامی فرانسوی با لباسی تنگ و چسبان و در تصویر ۲، لباس قشون ایرانی با تغییرات جزئی در همان طرح، گشادتر و بلندتر با کلاه ایرانی دیده می‌شود. این

۱. ابزاری فلزی که هنگام سواری بر پاشنه چکمه می‌بندند (عمید، «مهمیز»)

تصویر توسط لوئیجی مونتابونه، عکاس هیئت ایتالیایی مأمور در ایران، در سال ۱۲۷۹ق/۱۲۴۱ش گرفته شده است.



تصویر ۱- نظامی فرانسوی (۱۸۰۰م)، کتابخانه براون



تصویر ۲- سربازان ایرانی، آلبوم خانه کاخ گلستان

پوشیدن این اونیفورم کمابیش با رتبه‌بندی افراد نظامی در جنس، رنگ لباس، نوارهای روی لباس و نشان روی کلاه با تزیینات جزئی هماهنگ می‌شد. در دورهٔ صدارت امیرکبیر برای یکسان کردن لباس، کلیجه^۱ و شلووار تنگ اتریشی معمول شد. در پی آن اقتباس مليله‌دوزی و مفتول‌دوزی از اتریش و دوختن دکمهٔ شیر و خورشید وارد شده از انگلیس برای نخستین بار مرسوم شد و سپس دکمه‌ها را در ایران ساختند. به‌علاوه، مقرر شد تا برای لشکر سالی پنجاه‌هزار دست لباس در تهران و اصفهان بدوزند. کار زردوزی لباس صاحب‌منصبان به فردی به نام خورشید خانم، «ضعیفهٔ تهرانی»، واگذار شد و بر طبق قرارش با دولت با افزایش شمار شاگردانش، به مدت پنج سال در انحصار او قرار گرفت (آدمیت، ۲۹۹). در خصوص تغییر طرح لباس قشون ایران توسط امیرکبیر یکی از رجال بانفوذ دورهٔ ناصری چنین می‌نویسد: «دیدم امیرکبیر سرپا ایستاده‌اند. لباس سرباز را دستورالعمل می‌فرمایند که تغییر بدهند... فرمودند لباس را می‌خواهم این وضع نمایم، به سلیقهٔ شما چطور است؟ عرض کردم بسیار خوب است، البته لباس از منسوجات ایرانی باشد خیلی بهتر از این ماهوت‌های بی‌مصرف فرنگی است» (سهام الدوله بجنوردی، ۴۶). افزون بر اجرای طرح پوشش قشون، منسوجات وطنی برای دوخت توسط امرای دولتی و با دستورالعمل نواب ناصرالدوله، حکمران کرمان و بلوچستان، پارچه‌های نکو و مناسبی برای لباس تمام افواج می‌بافتند و از جنس نمد کرکی پالتوهای نظامی بسیار نفیس خوب مثل ماهوت درست می‌کردند (عین‌السلطنه، ۲۰۴۱-۲۰۴۰/۳).

ناصرالدین‌شاه در سال ۱۲۹۶ق که برای بار دوم رهسپار اروپا شد (ذکاء، ۲۵۰)، هنگام عبور از کشورهای روسیه و اتریش، مجذوب سوار نظام این دو کشور شد و از دولت اتریش خواست تا عده‌ای از افسران خود را برای ایجاد قشون مشابه ارتش اتریش به ایران اعزام کند (کاظمی، ۲۸). مدتی بعد تعدادی از سربازان و افسران اتریشی وارد ایران شدند. در تصویر ۳، قشون سربازان اتریشی مستقر در تهران و در تصویر ۴، مسعود میرزا ظل‌السلطان پسر ارشد ناصرالدین‌شاه با صاحب‌منصبان فوج جلالی اصفهان که همگی لباس نظامیان اتریشی بر تن دارند، دیده می‌شوند. شلووار راستهٔ آنان و درز دکمه‌خور بالاتنه و سردست‌های نواردوزی شده، حاکی از آن است که طرح لباس کاملاً از لباس نظامیان اتریشی اقتباس شده و فقط در تزیینات با هم اختلاف دارند.

۱. کلیجه (شاپکین): نیم‌تنهٔ بلند ولی کوتاه‌تر از لباده و سرداری که دامن آن تا روی ران می‌رسید و کمرش نسبتاً تنگ و چسبان با زیر بغلی شکاف‌دار که حرکت دست‌ها را آسان می‌کرد. کلیجه را از جنس ماهوت یا برک یا مخمل سرخ یا عنابی درست می‌کردند و با براق آن را می‌آراستند (کمپانی، ۱۱۳-۱۱۴).



تصویر ۳- سربازان اتریشی، سایت کافه تاریخ



تصویر ۴- مسعود میرزا ظل السلطان و افسران با لباس نظامیان اتریشی

ناصرالدین شاه همچنین هنگام گذشتن از قفقاز و روسیه، مجذوب سپاهیان قزاق و اونیفورم‌های زیبا و درخشان آن‌ها شد (ذکاء، ۲۵۰). روس‌ها که دیدند لباس چرکزی بلند قزاق‌های روس مورد تحسین شاه واقع شده، موافقت وی را برای تأسیس یک بریگاد قزاق در ایران تحصیل کردند (سپهر، ۱۱۸). فوریه، پزشک دربار ناصرالدین شاه، نیز از شیوه لباس پوشیدن نظامیان در هنگام حضور در دربار می‌نویسد که از

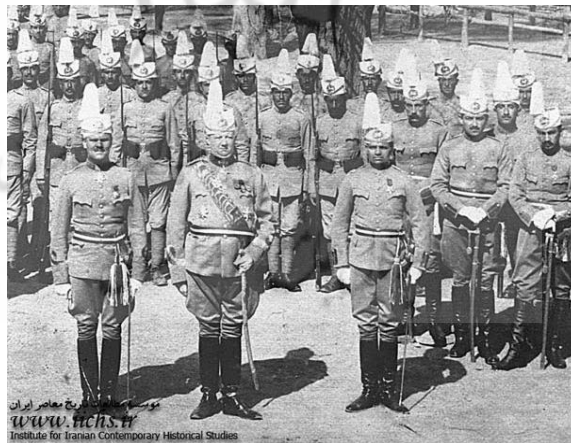
۱. Jean-Baptiste Feurier

میان اعیان و نمایندگان عالی رتبه، نظامیان را به سهولت از کلاه‌شان می‌توان شناخت. این کلاه از پوست بخارا^۱ است و به کلاه ملی ایرانیان می‌ماند، با این تفاوت که کلاه نظامی کوتاه‌تر و استوانه‌ای شکل است. این در حالی است که سایر کلاه‌ها را مخروطی و بلندتر می‌سازند. صاحب‌منصبان، نیم‌تنه‌ای از ماهوت آبی تیره بر تن دارند و درجات‌شان یا به سبک نظام روسیه روی دوش یا به رسم اتریش بر یقه نیم‌تنه‌شان دوخته شده است (فوریه، ۱۰۲). جذاب‌ترین رسته نظامیان، با شرایط خاص در دستگاه حفاظتی و تشریفاتی در خدمت ملکه مهد علیا بودند. جامه این گارد ویژه لباسی کوتاه، از الگوی لباس سربازان فرانسوی و انگلیسی ردنگت^۲مانندی با یقه کیپ با دکمه‌هایی از زیر گلو تا پائین، کمر تنگ با چاک در پشت لباس، یراق و پاگون (سردوشی) تهیه شده بود که با آن شلوار پاچه تنگ به همراه کلاه پوست شکیل، چکمه، کمر بند با گل میخ طلا، بند شمشیر زرکوب و شمشیرهایی با غلاف مرصع می‌پوشیدند (شهری، ۴۹۸/۲). به تدریج تغییراتی در تکه‌های البسه داده شد و یکی از این اجزاء مهم در دوره ناصری کلاه بود که به دلیل تغییر فرم کلاه‌پوستی، خراب و فرسوده‌شدن زود آن، برای خرید کلاه‌پوست بخارا در طی سال سه یا چهار بار مبالغ هنگفتی از مملکت خارج می‌شد. با فرمان شاه از بلندی کلاه کاسته و در ساختن آن، از پوست بره‌های داخلی به کار بردند و در روزنامه‌های رسمی مقررات و دستورهای درج شد که پاسبان‌های گماشته شده در معابر از بلندی اضافه کلاه عابری بی‌هیچ گذشتی بپزند؛ اما با مقاومت منظم و متشکل از طرف صدراعظم و وزرا، فرمان او خنثی شد و حتی مردم حاضر بودند که اموال‌شان مصادره شود؛ اما کلاه‌شان کوتاه نشود. تنها در این اواخر که لشکرکشی‌هایی بر ضد ترکمانان، افغان‌ها و انگلیسیان صورت گرفت، کلاه کوتاهی موسوم به «کلاه نظامی» برای نظامیان برگزیده شد (پولاک، ۱۰۴). افزون بر کلاه، در سایر لباس‌های قشون ایران در عصر ناصرالدین‌شاه تغییراتی پدید آمد. لباس قشون در موارد عادی باید با سرداری یقه‌عربی و شلوار تنگ با مغزی قرمز یا سفید یا آبی یا زرد بود که از صنف آن‌ها حکایت می‌کرد. در موارد رسمی، سرداری آن‌ها مبدل به نیم‌تنه شد و نشان شیر و خورشیدی هم به جلو کلاه نصب می‌کردند و این نشان در پایین‌ترین درجات نظامی به کلی از نقره بود و هر قدر بر رتبه افزوده می‌شد، قطعات آن به طلا مبدل می‌گشت. بعدها در حدود ۱۳۰۴ق این نشان کلاه را افسران در موارد عادی هم به کار بردند و این در زمانی بود که کلاه از سر تا ته یک اندازه و کوتاه شد تا از حیث کلاه هم با غیرنظامی‌ها از نظر درجات نظامی فرق داشته باشند. میرزا حسین خان مشیرالدوله (سپهسالار) در نشان‌های نظامی هم اصلاحاتی به عمل آورد؛ رنگ حمایل سرتیپی اول در وسط سرخ و طرفین سفید و امیر تومانی را در وسط سبز و در طرفین سرخ مقرر داشت. از روی نشان «لژیون دتر» فرانسه نشان پنج‌درجه‌ای به اسم نشان شیر و خورشید برقرار کرد که درجه اول آن با حمایل سبز بود؛ اما نشان اقدس و قدس به حال خود باقی ماند

۱. منظور شهر بخارا در ماوراءالنهر است.

۲. ردنگت قسمی جامه مردانه مانند پالتو، طویل‌تر و عریض‌تر از بالاپوش معمولی (دهخدا، «ردنگت»).

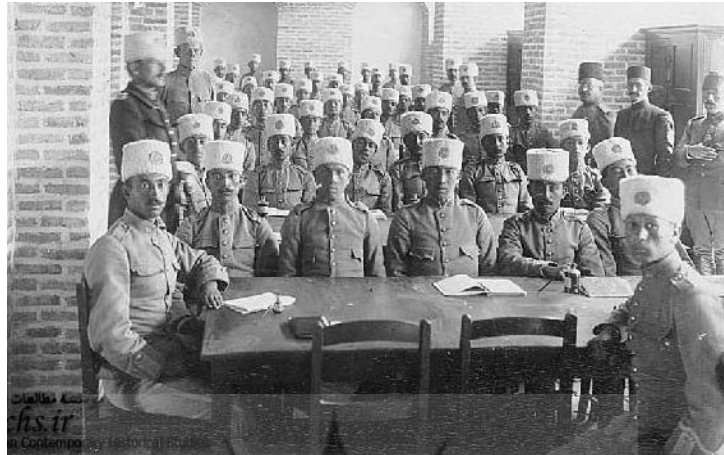
(مستوفی، ۱۱۸/۱). عین السلطنه نیز درباره تغییرات لباس ژاندارم‌ها می‌نویسد: کلاه آنان به شکل کلاه‌های اتریش و رنگ لباس و کلاه آبی بود و از پارچه‌های ایرانی تهیه می‌شد (همو، ۲۸۹۱/۴). وی همچنین در توصیف لباس این دسته امنیتی می‌نویسد: در سال ۱۲۹۰ ش کلنل هارالد اوسیان یا المارسن^۱ سوئدی به همراه چهل نفر صاحب منصب سوئدی ژاندارم‌ری ایران را اداره می‌کردند... تا یک ماه قبل کلاه ژاندارم‌ها کاسکت انگلیسی بود. پالتو و سایر فرم لباس آنها مخلوطی از سوئدی و طرح نظام اتریشی بود. به سبب سرزنش‌های مردم، وزارت داخله حکم به تغییر کلاه داد. کلاه از پوست بره سفید، اما نه به قطر و قواره کلاه قزاق‌ها، بلکه نظیف و نازک به اندازه کلاه‌های ایرانی بود (همو، ۳۸۱۹/۵). پس از گذشت یک سال در سال ۱۲۹۱ ش گوستاو وستداهل^۲ در وضع لباس افسران و آژان‌های پلیس تغییراتی دیگر داد و حتی آیین‌نامه‌ای هم برای آن تنظیم کرد. لباس رئیس کل نظمیه با درجه سرهنگی و کلیه افسران یک‌شکل بود. درجات از روی یراق سردست و سردوشی معلوم می‌شد. لباس آژان پلیس نیم‌تنه و شلوار سواری بود و روی بازوی راست درجات وی مشخص شده بود: آژان درجه ۱ با سه رچ نوار، آژان درجه ۲ با دو رچ نوار و آژان درجه ۳ با یک رچ نوار. کلاه افسران و افراد کلاه‌پوستی که نشان فنوج شیر و خورشید بود (سیفی قمی تفرشی، ۲۹۶). در تصویر ۵ وستداهل، رئیس سوئدی تشکیلات نظمیه ایران، به همراه عده‌ای از افسران ایرانی با لباس ترکیبی سوئدی و اتریشی دیده می‌شوند و در تصویر ۶ سربازان ایرانی در یکی از کلاس‌های درس اداره نظمیه در دوران سرپرستی مأموران سوئدی به چشم می‌خورند و لباس ترکیبی سوئدی و کلاه‌پوستی ایرانی با نشان فنوج شیر و خورشید به تن دارند.



تصویر ۵- وستداهل سوئدی

۱. Harald Ossian Hialmarson

۲. Gustav Westdahl



تصویر ۶- سربازان ایرانی و افسران ایرانی

لباس قشون ایران در دوره مظفرالدین شاه

در دوره یازده ساله سلطنت مظفرالدین شاه (۱۳۱۳-۱۳۲۴ق) ایران به راه زوال رفت (نفیسی، ۷). ضعف و بیماری مظفرالدین شاه و مسافرت‌های پیاپی او به اروپا برای معالجه و بی‌اطلاعی از اوضاع مملکت سبب گردید تا کشور در زمان او با سرعت بیشتری به پرتگاه نابودی و انحطاط نزدیک شود. بنابراین، ارتش نیز در زمان سلطنت این پادشاه مانند دیگر شئون و امور مملکتی قوس نزولی پیمود (کاظمی، ۳۴). تنها نیروی منظم موجود در این دوره همان بریگارد (تیپ) قزاق بود که به همت افسران روس همچنان به کار خود ادامه می‌داد و دارای لباس منظم و متحدالشکل و آموزش خوب بود و از حقوق دائمی نیز استفاده می‌کرد (همو، ۳۷). هنری بایندر از لباس‌های متحدالشکل دسته‌های نظامی در رنگ‌های شگفت‌آور این دوره تعجب کرده و آورده است: «بالا تنه به رنگ سبز متمایل به آبی با شلوارهای نارنجی، مزین به نوارهای بنفش، یراق‌دوزی و علاقه‌بندی‌های بسیار و سردوشی‌های خارج از اندازه است، تقلیدی ناشیانه از لباس‌های نظامی اروپایی‌ها را به نمایش گذاشته است» (بایندر، ۴۴۹)

لباس قشون ایران در دوره محمدعلی شاه

دوره فرمانروایی محمدعلی شاه (۱۳۲۵-۱۳۲۷ق) دوره کشمکش وزد و خورد میان هواخواهان حکومت مشروطه و درباریان بود (نفیسی، ۶). محمدعلی شاه از نظر سیاسی متمایل به روس‌ها بود، به

همین دلیل بریگارد قزاق رونق بیشتری یافت و بر چهار فوج (هنگ) سوار آن، یک گردان پیاده و یک آموزشگاه نظامی نیز اضافه گردید (کاظمی، ۳۷) در این دوره آشتگی لباس نظامیان همچنان برقرار بود تا این که بار دیگر روس ها، اختیار قشون را به دست گرفتند و مسلم بود که لباس سپاهیان را از الگوی البسه نظامیان خود ترتیب می دهند (شهری، ۵۰۴/۲) ز در تصویر ۷ رضاخان میرپنج و کاپیتان مارکوف در بین افسران ایرانی و روسی قزاق خانه و تصویر ۸، پالکونیک لیاخوف فرمانده مرکزی قزاق به اتفاق وزیر مختار روسیه با همسرش در ایران مشاهده می شوند. وضع پوشش افسران و سربازان قزاق ایرانی و روسی تماماً یکسان بود. جامه زیرین دارای یقه ای ایستاده، روی این بلوز بالاپوشی بلند تا وسط ساق پا، آستین های بلند و گشاد، با یقه هفت که دو بر آن به وسیله کمربندی روی هم محکم می شد و خنجری در وسط جلو کمربند قرار می گرفت. دمپای شلوار تا زانو درون چکمه گذاشته می شد. جامه افسران و پیادگان قزاق یکی بود، با این تفاوت که رتبه افسران با نصب سردوشی مشخص می شد.



تصویر ۷



تصویر ۸

پس از اندک زمانی طرح جدیدی از لباس قزاق‌ها باب شد. این لباس پیراهنی کوتاه بود با جلو سینه بسته، یقه لبه‌دار، چاک دکمه‌خور سمت چپ شانه و شلوار (نیم گالیفه) و چکمه، با کلاه پوستی و کمر بند باریک و دو چاک کوچک در پهلوها، با تغییر و تبدیلی مختصر در پارچه، دوخت، زیور سرآستین‌ها، لبه دامن و دور یقه‌ها به تناسب مناصب بالا و پستی مقام متفاوت بود (شهری، ۵۰۴/۲). در تصویر ۹، با بررسی جزئیات لباس نمونه دیگر قزاق قفقازی، در مقایسه با لباس سرتیپ فضل‌الله زاهدی فرمانده قوای فارس در تصویر ۱۰ پی می‌بریم که تأثیرپذیری طرح لباس قزاق قفقازی بر البسه نظامیان اواخر دوره قاجار تماماً اجرا شده است؛ با این تفاوت که افسر قفقازی کلاه کاسکت و افسر ایرانی کلاه پوست (کلاه ملی) بر سر دارند و پیراهن افسر ایرانی بلندتر از پیراهن افسر روسی است.



تصویر ۹- قزاق قفقازی / تصویر ۱۰- افسر ایرانی

یک سفرنامه‌نویس آلمانی نیز به نوعی پوشش سرشش تن از نگاهبانان قذبلند محمدعلی‌شاه که دو طرف پله‌ها خبردار ایستاده بوده‌اند، اشاره کرده است. این پوشش کلاه‌خودهای پروسی با نوک تیز بود که یکی دیگر از سوغات‌های سفر فرنگ شمرده می‌شد (گروته، ۲۱۲).

لباس قشون ایران در دوره احمدشاه

احمدشاه در سال ۱۳۲۷ق در سن ۱۲ سالگی پس از خلع محمدعلی‌شاه به سلطنت رسید و در ربیع

الثانی ۱۳۴۴ق از سلطنت برکنار شد (مکی، ۴). این دوره را باید یکی از بحرانی‌ترین و خطرناک‌ترین ادوار تاریخ ایران دانست، زیرا در این دوره، استقلال کشور متزلزل شد. دورانی متلاطم و پر آشوب که همه چیز هم‌زمان سوخت و نابود شد بنابراین، از ارتش جز نامی و از نیروهای مسلح جز شبحی در سراسر کشور به جای نمانده بود (کاظمی، ۳۹). در این عصر نیز لباس قزاق‌ها همچنان مشابه قزاقان روسی بود (همان، ص ۴۱)؛ اما در رسته پلیس جنوب لباس نظامیان ایرانی کاملاً شبیه به لباس افسران انگلیسی تهیه شد. همچنان که در تصویر ۱۱ به چشم می‌خورد، تنها در کلاه و ملحقاتی نظیر نشان‌های روی کلاه و لباس متناسب با فرهنگ بومی ایرانی تفاوت وجود داشت.



تصویر ۱۱- جمعی از نیروهای پلیس جنوب به فرماندهی افسران انگلیسی

با توجه به مطالب گفته شده می‌توان پی برد که در مدت پادشاهی شاهان قاجار طرح پوشش نظامیان مدام در حال تغییر بود و از وحدت و انسجام مستمر برخوردار نبود؛ زیرا قشون ایران تا قبل از سال ۱۳۰۰ش و تشکیل ارتش نوین، هنوز از نظر سازمان اداری و فرماندهی، آموزش، اسلحه و لباس در وضع آشفته‌ای به سر می‌بردند. در اواخر دوره قاجار، سردار سپه اولین گام را برای اصلاح قشون رنگارنگ برداشت و در یکنواخت کردن آموزش و اسلحه قشون کوشید (ستاد بزرگ ارتشتاران، ۱۰۰). سپس بنا به فکر و ابداع شخص سردار سپه، لباس نظام جدیدی برای افراد ارتش در نظر گرفته شد؛ به گونه‌ای که همه نظامیان آن را در بر کرده و اتحاد شکل حاصل کردند. این لباس به قدری با ابهت و جاذب بود که خود احمدشاه و محمدحسن میرزا ولیعهد نیز آن را پوشیده و درجه سرهنگی برای خود قرار داده و سردوشی آن را زده بودند (قدیمی، ۶۸-۶۹):

با این همه، هنگامی که رضاخان میرپنج به سمت وزیر جنگ رسید، لباس آژان‌ها را نیز متحدالشکل کرد. چنان‌که در روزنامه اطلاعات اعلانی در باب یکنواختی طرح و رنگ لباس از طرف اداره کل تشکیلات نظامیه به امضای سرتیپ فضل‌الله زاهدی صادر شد و در آن چنین آمده بود: «لباس جدید آژان‌ها طوسی‌رنگ و دارای نوار زرد، کلاه آن‌ها دارای دو لبه است که به طرز قشنگی تهیه شده، لباس مزبور نیم‌تنه و شلوار با مچ پیچ هست. دستور داده شده است از همین فرم برای کلیه آژان‌ها در تمام نقاط مملکت تهیه کنند» (روزنامه اطلاعات، ۱۶۸). سرانجام در ۲۹ بهمن ۱۳۰۱ ش مجلس لایحه‌ای تصویب کرد که همه کارکنان خدمات شهری، اعضای کابینه و نمایندگان مجلس را ملزم به پوشیدن دوخت ایران در طول ساعات کار می‌کرد. این دستورالعمل در اول میزان ۱۳۰۲ ش بنا بر حکم وزیر جنگ، سردار سپه، پرسنل نظامی را نیز دربرگرفت (رنج‌دوست، ۱۷۹).

در مجموع، فرآیند ایجاد و تغییر لباس قشون عصر قاجار در ادوار مختلف را می‌توان به شرح ذیل خلاصه کرد:

۱. در دوره آقامحمدخان به علت تداوم فعالیت قشون نامنظم ایلی، طرح لباس قشون همانند دوره زند بود. قشون ایلی ایران با همان لباس بلند و کفش‌های معمولی که راه رفتن و سوارکاری را برای نظامیان دچار مشکل می‌کرد، به نبرد می‌پرداخت.
۲. دوره سلطنت فتحعلی‌شاه با تجربیات به دست آمده از شکست در جنگ با روسیه، لباس‌های بی‌روح و گوناگون قشون نامنظم ایلی از لحاظ جنس، رنگ و طرح متحول شد؛ تا آن جا که تغییرات اعمال شده در برش و دوخت نیز تا حدودی بر نظم ظاهری قشون ایران مؤثر واقع شد.
۳. محمدشاه همانند فتحعلی‌شاه در تحول پوشاک قشون تلاش کرد، اما با مقاومت مخالفان گریزان از تغییرات مواجه شد و به همین سبب به طرح لباس دوره پیشین اکتفا کرد.
۴. در دوره ناصرالدین‌شاه دگرگونی لباس قشون در ابتدا تدریجی بود؛ اما در میانه سلطنت شاه به سبب پیوندهای نزدیک وی با اروپاییان دگرگونی در لباس قشون سرعت گرفت؛ تا جایی که شاه و امیران به راحتی در طرح لباس سپاهیان نظر می‌دادند. این آزادی به گونه‌ای بود که بیشترین تغییرات اعمال شده در پوشاک سلسله قاجار، در این دوره احساس شد.
۵. مظفرالدین‌شاه همچون فتحعلی‌شاه و ناصرالدین‌شاه، به سبب علاقه زیادی که به هنر و هنرمندان داشت، فضایی مستقل برای تحولات فرهنگی - هنری به وجود آورد؛ اما در زمینه لباس نظامیان، همان لباس قزاقان دوره ناصری را با اندک تغییراتی در تزیینات مورد استفاده قرار داد.

۶. سرتاسر دوره سلطنت محمدعلی شاه به کشمکش‌های سیاسی داخلی و خارجی گذشت. از این رو، جایگاه هنر و هنرمندان متزلزل بود و سفارش برای اجرای تغییرات در لباس قشون کم‌اهمیت به نظر می‌رسید.

۷. در دوره احمدشاه، عناصر اروپائی بر عناصر ایرانی غلبه بیشتری یافت. سفرهای پی‌پی احمدشاه به اروپا، وی را کاملاً غربی کرده بود. با این همه، در دوخت لباس‌های کارکنان دولت و مردم، بر لباس ایرانی تأکید می‌شد. در این میان، سردار سپه، وزیر جنگ، با اختیاراتی که به دست آورد، وحدت لباس را با ارتش نو درآمیخت و ظاهر نظامیان ایران، با رعایت سلسله مراتب و رده‌بندی مناصب، ظاهری آراسته و شکیل پیدا کرد.

نتیجه

ایران عصر قاجار، همواره صحنه جنگ و رقابت‌های استعماری کشورهای انگلستان و روسیه بود. در این دوره پوشاک قشون ایران به سبب ضرورت افزایش توان نظامی و گذار از قشون نامنظم ایلی به ارتش جدید، دستخوش تغییر گردید. پس از شکست ایران در جنگ با روسیه، ولیعهد، عباس میرزا، قشون ایران را به وسایل و فنون جدید و لباس یکسان و یکرنگ مجهز کرد. نیروی نظامی ایران در این دوره همچون گذشته از دودسته سواره و پیاده نظام ایلی تشکیل شده بود که با ابزار و تجهیزات ساده و بدون آموزش‌های لازم با لباس‌های عادی و الوان مختلف به نبرد با دشمنان خارجی می‌پرداخت. با تحولاتی که در دهه سوم قرن ۱۳ در انتظام بخشیدن به قوای نظامی انجام گرفت، موضوع یونینفرم سپاهیان قاجار به یکی از موضوعات اساسی در فرآیند تحولات نظامی ایران تبدیل شد؛ زیرا در آن زمان بهره‌مندی از قشونی منظم با ظاهری آراسته و همگون نشان از صلابت، اقتدار و استحکام تشکیلات نظامی ایران داشت. نخستین گام برای تشکیل ارتش مدرن و یکسان‌سازی ظاهر سپاه ایران، استفاده از طرح پوشاک نظامیان فرانسوی و انگلیسی بود. در دوره فتحعلی شاه تنها تفاوت لباس نظامیان ایران با لباس نظامیان اروپایی، کلاهی به سبک ایرانی بود. در اواخر سلطنت محمدشاه تغییرات جزئی در پوشاک قشون ایران به وجود آمد و لباس نظامیان، کوتاه و یکسان گردید. در دوره ناصرالدین شاه با اصلاحات نظامی امیرکبیر، عناصری از لباس نظامیان اتریشی به لباس قشون ایران افزوده و در دوخت آن، از پارچه‌های داخلی استفاده شد. علاوه بر آن، در دوره صدارت میرزا حسین خان سپهسالار، رنگ حمایل فرماندهان سپاه ایران تغییر یافت. ناصرالدین شاه در سفر دومش به فرنگ (۱۲۹۶ق)، تحت تأثیر نظم و لباس سواره نظام دو کشور روسیه و اتریش قرار گرفت و دستور داد تا

در سپاه ایران از نمونه اونیفورم‌های سپاهیان روس استفاده شود. با تشکیل ژاندارمری، لباس فرم ژاندارم‌ها ترکیبی از پوشش نظامیان سوئدی و اتریشی بود. درجات افراد امنیه نیز از روی یراق‌دوزی سردست و سردوشی آنان مشخص می‌شد. لباس نظامیان ایران از دوره مظفرالدین شاه تا پایان دوره قاجار همچون گذشته متأثر از لباس ارتش کشورهای اروپایی به ویژه روسیه و سوئد بود، لیکن به دلیل آشفتگی‌های سیاسی پس از مشروطه توجه چندانی به این موضوع نشد.

اگرچه پوشش قشون دوره قاجار در هر دوره‌ای دستخوش تغییراتی شد، به‌طورکلی لباس نیروهای نظامی ایران تلفیقی از لباس ارتش کشورهای اروپایی نظیر فرانسه، انگلیس، روسیه، اتریش و سوئد بود که در تزیینات (نشان‌ها و سوزن‌دوزی‌های سنتی) با فرهنگ بومی و سنتی ایران آمیخته بود. حاصل پژوهش حاضر را می‌توان در جدول تطبیقی زیر خلاصه کرد:

دوره	طرح لباس	اجزاء، جنس، رنگ و تزیینات
آقا محمدخان	ایرانی	سرداری بلند، کلاه‌پوستی از وسط چاک خورده و تاشده با ارتفاع ۲۵ سانتیمتر، شلوار نسبتاً گشاد و مچ آن بسته، کمر بند پهن.
فتحعلی شاه	-فرانسوی -انگلیسی	لباس پیاده‌نظام از ماهوت آبی یا قرمز، لباس توپچی‌ها از ماهوت آبی، لباس صاحب‌منصبان: اشارپ ابریشمی قرمز رنگ مانند نظامیان انگلیس. - شلوار عموماً سفید و گشاد و پرچین جمع شده در ناحیه قوزک پا، کلاه از پوست بره سیاه بسیار بلند (ایرانی)، چکمه یا نیم چکمه. دو بند سفید پهن چپ و راست روی شانه‌ها، جلو سینه دارای قلاب برنجی، کمر بند پهن سیاه‌رنگ و گاه کمر بندی شال سفید.
محمدشاه	-انگلیسی -روسی	نیم تنه بدون دامن، شلوار تنگ تا قوزک پا، پوتین چرمی، لباس توپچی‌ها: یک‌شکل، نیم تنه آبی با سردست سرخ‌رنگ، شلوار کتان آبی یا سفید، کلاه از پوست بره سیاه یا سرخ با موهای بلند. لباس افسران: روی سینه سه ردیف دکمه با یراق‌های طلایی، یقه و سردست‌ها نیز نواری طلایی و با سردوشی.

دوره	طرح لباس	اجزاء، جنس، رنگ و تزیینات
ناصرالدین شاه	- ایرانی - اتریشی	اوایل سلطنت: کلاه ملی ایرانی، بالاتنه ساده، کمر چین دار، آستین های بلند و گشاد، از جنس ماهوت، لبه آستین نواردوزی شده، شلوار راسته، کفش های چرمی با پنجه گرد، اکتباس ملبله دوزی و مفتول دوزی از اتریش، دکمه شیر و خورشید وارداتی از انگلیس.
	- روسی - فرانسوی - انگلیسی - سوئدی	اواسط سلطنت: الگوبرداری از لباس قزاقان روس، جامه های سرخ یا سفید یا سیاه، کلاه پوستی، براق و سردوشی، کمر بند با گل میخ طلا، بند شمشیر زرکوب برای صاحب منصبان. محافظان مهد علیا: الگوبرداری از لباس فرانسوی و انگلیسی، کمر تنگ و یقه کیپ، چاک در پشت لباس، شلوار پاچه تنگ، کلاه پوست، چکمه. موارد عادی: سرداری یقه عربی، شلوار تنگ بامغزی قرمز یا سفید یا آبی یا زرد و در موارد رسمی: سرداری مبدل به نیم تنه شد و نصب نشان شیر و خورشید به جلو کلاه. پالتو بلند چاک دار سوئدی با کلاه پوست ایرانی. لباس آژان پلیس: نیم تنه و شلوار سواری، با درجات روی بازوی راست.

دوره	طرح لباس	اجزاء، جنس، رنگ و تزیینات
مظفرالدین شاه	- روسی	بالاتنه به رنگ سبز متمایل به آبی، شلوارهای نارنجی مزین به نوارهای بنفش، تقلیدی ناشیانه از لباس های نظامی اروپاییان، براق دوزی و علاقه بندی های بسیار و سردوشی های بزرگ.
محمدعلی شاه.	- روسی	نیم تنه قزاقی، از پیراهن مانندی کوتاه، جلو سینه بسته با دو چاک کوچک در پهلوها، یقه لبه دار، چاک دکمه خور سمت چپ شانه، شلوار (نیم گالیفه)، چکمه، کلاه پوستی و یا کلاه خودهای پروسی، کمر بند باریک، زیور سر آستین ها، لب دامن و دور یقه ها متناسب با مناصب افراد.
احمدشاه	- ایرانی - روسی - انگلیسی	لباس نظامیان همچنان مشابه قزاقان روسی بود، لباس پلیس جنوب: لباس آنان کاملاً شبیه به لباس افسران انگلیسی بود، کلاه با نشان شیر و خورشید، اتحاد شکل لباس ارتش توسط سردار سپه لباس فرم آژان ها: طوسی رنگ و دارای نوار زرد با کلاه دولبه، لباس نیم تنه، شلوار، حمایل برای نگه داشتن سلاح کمری.

فهرست منابع

- آبراهامیان، پروانه، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی ولیلایی، نی، تهران، ۱۳۸۴ ش.
- آدمیت، فریدون، امیرکبیر و ایران، خوارزمی، تهران، ۱۳۶۲ ش.
- استودارت، چارلز، «گزارشی درباره ارتش ایران»، ترجمه احسان اشراقی، بررسی های تاریخی، ش ۲۶، خرداد و تیر ۱۳۴۹، صص ۱۲۳-۱۳۵.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، تاریخ منتظم ناصری، تصحیح محمداسماعیل رضوانی، دنیای کتاب، تهران، ۱۳۶۷ ش.
- الگار، حامد، دین و دولت در ایران (نقش علما در دوره قاجار)، ترجمه ابوالقاسم سری، توس، تهران، ۱۳۶۹ ش.
- بایندر، هنری، سفرنامه هنری بایندر (کردستان، بین النهرین و ایران)، ترجمه کرامت الله افسر، فرهنگسرا (یساولی)، تهران، ۱۳۷۰ ش.
- بوئه، موریتس وان کوتسه، مسافرت به ایران، ترجمه محمود هدایت، امیرکبیر، تهران، ۱۳۴۸ ش.
- پولاک، یاکوب ادوارد، *سفرنامه پولاک؛ «ایران و ایرانیان»*، ترجمه کیکاووس جهاننداری، خوارزمی، ۱۳۶۸ ش.
- تیموری، ابراهیم، عصر بی خبری یا تاریخ امتیازات در ایران، اقبال و شرکاء، تهران، ۱۳۳۲ ش.
- دنبلی، عبدالرزاق بیگ، مآثر سلطانیه (تاریخ جنگهای اول ایران و روس)، موسسه روزنامه ایران، تهران، ۱۳۸۳ ش.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۲۵-۱۳۵۲ ش.
- ذکاء، یحیی، ارتش شاهنشاهی ایران از کوروش تا پهلوی - شورای ارتشی جشن دوهزار و پانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی ایران، بی جا، ۱۳۵۰ ش.
- راوندی، مرتضی، تاریخ اجتماعی ایران، نگاه، تهران، ۱۳۸۲ ش.
- رنج دوست، شبنم، تاریخ لباس ایران، جمال هنر، تهران، ۱۳۸۷ ش.
- سایکس، سرپرسی، تاریخ ایران، ترجمه سید محمدتقی فخر داعی گیلانی، افسون، تهران، ۱۳۸۰ ش.
- سپهر، احمدعلی، ایران در جنگ بزرگ ۱۹۱۸-۱۹۱۴، بانک ملی ایران، تهران، ۱۳۳۶ ش.
- ستاد بزرگ ارتشتاران، تاریخ ارتش نوین ایران (بخش نخست از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ خورشیدی)، چاپخانه ارتش، بی جا، بی تا.
- سهام الدوله بجنوردی، یارمحمد، سفرنامه های سهام الدوله بجنوردی، تصحیح: قدرت الله روشنی، علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۴ ش.
- سیفی قمی تفرشی، مرتضی، نظم و نظمیة در دوره قاجاریه، یساولی (فرهنگسرا)، تهران، ۱۳۶۲ ش.
- شریعت پناهی، سید حسام الدین، اروپایی ها و لباس ایرانیان، قومس، تهران، ۱۳۷۲ ش.
- شمیم، علی اصغر، ایران در دوره سلطنت قاجار، مدبر، تهران، ۱۳۷۵ ش.

- شهری (شهری باف)، جعفر، تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم، رسا، تهران، ۱۳۶۹ ش.
- عمید، حسن، فرهنگ فارسی جیبی، راه رشد، تهران، ۱۳۸۹ ش.
- عین السلطنه، قهرمان میرزا سالور، روزنامه خاطرات عین السلطنه، تصحیح: مسعود سالور و ایرج افشار، اساطیر، تهران، ۱۳۷۴ ش.
- عین السلطنه، قهرمان میرزا سالور، روزنامه خاطرات عین السلطنه، تصحیح: مسعود سالور و ایرج افشار، اساطیر، تهران، ۱۳۷۴ ش.
- فلاندن، اوژن، سفرنامه اوژن فلاندن به ایران، ترجمه حسین نور صادقی اشراقی، اشراقی، تهران، ۲۵۳۶ شاهنشاهی.
- فوریه، ژان باتیست، سه سال در دربار ایران، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، نشر علم، تهران، ۱۳۸۵ ش.
- قدیمی، ذبیح الله، تاریخ ۲۵ ساله ارتش شاهنشاهی ایران، چاپخانه مجلس شورای ملی و بانک ملی ایران و برادران فردین و دانشگاه، تهران، ۱۳۲۶ ش.
- کاظمی، محمد و البرز، منوچهر، تاریخ پنجاه ساله نیروی زمینی شاهنشاهی ایران، به اهتمام علی وزیر، بی جا، آبان ماه ۲۵۳۵ ش.
- کمپانی، نسیم، فرهنگ اصطلاحات پارچه و پوشاک در ایران (از دوران باستان تا آغاز عصر پهلوی)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۹۱ ش.
- کورف، بارون فیودور، سفرنامه بارون فیودور کورف (۱۸۳۴-۱۸۳۵)، فوت فتحعلی شاه، به سلطنت رسیدن محمد میرزا و سقوط قائم مقام، ترجمه اسکندر ذبیحیان، فکرروز، تهران، ۱۳۷۲ ش.
- گروته، هوگو، سفرنامه گروته، ترجمه مجید جلیلووند، مرکز، تهران، ۱۳۶۹ ش.
- مستوفی، عبدالله، شرح زندگانی من، زوار، تهران، ۱۳۸۸ ش.
- مکی، حسین، مختصری از زندگانی سیاسی سلطان احمدشاه قاجار، کتابفروشی محمدعلی علمی، ۱۳۲۳ ش.
- میرزائی، محسن، روزنامه خاطرات عزیزالسلطان (ملیجک ثانی)، زریاب، تهران، ۱۳۷۶ ش.
- نفیسی، سعید، تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر، اهورا، تهران، ۱۳۸۳ ش.
- نفیسی، سعید، تاریخ معاصر ایران (از چهارم اسفند ماه ۱۲۹۹ تا بیست و چهارم شهریور ماه ۱۳۲۰)، فروغی، تهران، ۱۳۴۵ ش.

دیگر منابع

آلبوم خانه کاخ گلستان

روزنامه اطلاعات، ۲۸ هزار روز تاریخ ایران و جهان.

مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

<http://www.cafetarikh.com>

<https://library.brown.edu/collections>